

11/11/11

11.11

۸۷،۱۱۰،۷۶۰۶

۸۸،۱،۲۲



دانشگاه الزهراء

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته گرافیک

عنوان پروژه تئوری:

نقش گرافیک در طراحی نمادهای مذهبی اسلامی دوره صفویه

عنوان پروژه عملی:

کاربرد نمادهای مذهبی اسلامی دوره صفویه در طراحی گرافیک امروزی

استاد راهنمای تئوری:

جناب آقای دکتر ابوالقاسم دادور

استاد راهنمای عملی:

سرکار خانم دکتر فهیمه دانشگر

استاد مشاور

سرکار خانم دکتر افضل طوسی

دانشجو

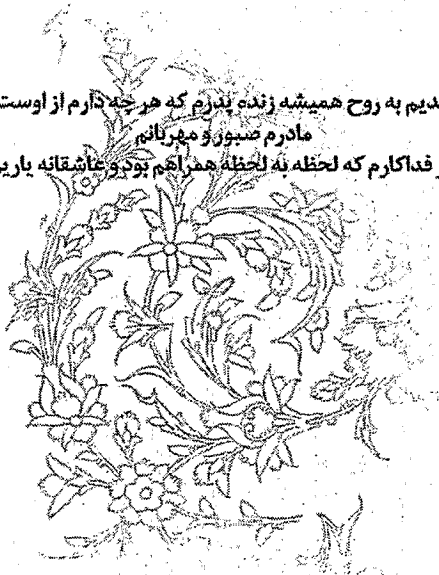
تکتم همتی رودسری

بهمن ۱۳۸۷

۱۱۷ / ۱۳۸۸

۱۱۰۳۸۰

تقدیم به روح همیشه زنده پدرم که هر چه دارم از اوست،  
مادرم صبوح و مہر نازم  
و همسر فداکارم کہ لحظہ بہ لحظہ ہمراہم بود و عاشقانہ یاریم داد.



## فهرست مطالب

### چکیده

### مقدمه

فصل اول : کلیات تحقیق..... ۲

### فصل دوم : موقعیت جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی دولت صفویه

۱-۲	ایران قبل از صفویه.....	۶
۲-۲	تشکیل دولت صفویه.....	۱۰
۳-۲	دین در دولت صفویه.....	۳۷
۴-۲	نخبگان فرهنگی و معنوی دوره صفویه.....	۴۶
۵-۲	اقلیتهای دینی در دوره صفویه.....	۴۹
۶-۲	ساختار اجتماعی دولت صفویه.....	۵۳
۷-۲	ساختار اقتصادی دولت صفویه.....	۵۸

### فصل سوم : نماد و نمادشناسی

۱-۳	رمزگان.....	۶۴
۲-۳	نماد.....	۶۷
۳-۳	نشانه.....	۷۱
۴-۳	خواستگاه نمادها.....	۷۹
۵-۳	ساختار نمادها.....	۸۱
۶-۳	نمادگرایی.....	۸۲
۷-۳	نماد در هنر.....	۸۴

### فصل چهارم : نقش گرافیک در هنر دوره صفویه

۱-۴	گرافیک.....	۸۷
۲-۴	عناصر اولیه طراحی گرافیک.....	۸۹
۳-۴	نقش گرافیک در هنر نقاشی و کتاب آرایی دوره صفویه.....	۱۰۲
۴-۴	نقش گرافیک در هنر سفالگری دوره صفویه.....	۱۴۰
۵-۴	نقش گرافیک در هنر پارچه بافی دوره صفویه.....	۱۵۴
۶-۴	نقش گرافیک در هنر قالی بافی دوره صفویه.....	۱۶۲
۷-۴	نقش گرافیک در هنر معماری دوره صفویه.....	۱۷۷

۲۰۷.....	نقش گرافیک در هنر فلزکاری دوره صفویه.....	۸-۴
۲۱۸.....	نقش گرافیک در هنر خوشنویسی دوره صفویه.....	۹-۴
۲۳۸.....	نقش گرافیک در هنر تذهیب دوره صفویه.....	۱۰-۴
۲۴۶.....	نقش گرافیک در طراحی ابزارهای ویژه عزاداری دوره صفویه.....	۱۱-۴
۲۶۶.....	نقش گرافیک در طراحی طلسم دوره صفویه.....	۱۲-۴
<b>فصل پنجم: نقش گرافیک در نمادهای مذهبی اسلامی دوره صفویه</b>		
۲۷۵.....	تقسیم بندی نمادهای مذهبی اسلامی دوره صفویه.....	۱-۵
	شناسایی نمادهای مذهبی دوره صفویه.....	۲-۵
۲۷۶.....	- خورشید.....	
۲۹۲.....	- شیر.....	
۳۰۰.....	- اسب.....	
۳۰۸.....	- براق.....	
۳۱۳.....	- طاووس.....	
۳۱۹.....	- سیمرغ.....	
۳۲۸.....	- اژدها.....	
۳۳۸.....	- ماهی.....	
۳۴۳.....	- درخت زندگی.....	
۳۵۴.....	- نقوش تزئینی.....	
۳۷۹.....	- دست.....	
۳۸۴.....	- فرشتگان.....	
۳۸۸.....	نقش گرافیک در طراحی نمادهای مذهبی اسلامی صفویه.....	۳-۵
۳۹۷.....	نتیجه گیری.....	
۳۹۹.....	منابع و مأخذ متن.....	
۴۰۳.....	منابع و مأخذ تصاویر.....	
۴۰۸.....	چکیده انگلیسی.....	

## چکیده

در تاریخ فرهنگ مصور تشیع، هنر مذهبی در قالبی نمادین با مفاهیمی عمیق، بیشترین جلوه گری را داشته است. این هنر زمانی که در قالب کتیبه های پارچه ای مزین به اشعار و نقوش مذهبی، گاه در شکل علامتها، علمها و سر علمها و حتی گاهی با تعدیل نمادهای اسطوره ای قبل از اسلام، در ایجاد معنا سود جسته و با زیبایی تمام حضور دینی خود را حفظ نموده است. سرهای اژدها در کنار درخت مقدس در علمهای عاشورایی یاد آور ایران باستان است که هنرمند با ذوق، خمیر مایه معنایی آن در جهت معنا دادن به فاجعه کربلا که همانا سلطه یزیدیان (اژدها) بر شجره نبوت (درخت مقدس) میباشد، سود جسته است. با کنکاش بیشتر و شناخت و درک این زبان نمادین که حاصل تفکر چند صد ساله هنرمندان مسلمان ایرانی است، که قالبهای معنایی هنر مذهبی ایران اسلامی، بیشتر نمایان میشود و ظرافتهای تلفیق تفکر دینی در کنار انتزاع تصویری و همزیستی آن با آیینها و اسطوره های باستانی ایران کاملاً خود را نشان میدهد.

بررسی نقش اصول علمی طراحی گرافیک در هنرهای مذهبی و طراحی این نمادها، پژوهشی کاملاً ضروری به نظر می رسد، از آنجا که محکم بودن و اصولی بودن ساختار تصاویر و نمادها کاملاً در درک بهتر و ماندگاری آن در ذهن مردم بسیار مؤثر بوده است و شاید بتوان گفت که قدرت طراحی این نمادها عاملی مؤثر جهت این ماندگاری و جاودانگی در باورها بوده است.

در بررسی نقش گرافیک در طراحی نمادهای مذهبی اسلامی دوره صفویه (انتخاب این دوره به جهت رسمی شدن تشیع به عنوان دین رسمی در کشور و اوج هنر اسلامی است) از روش تحقیق به صورت کتابخانه ای استفاده شده است. استفاده از کتب، مقالات، تصاویر و اینترنت، منابعی بودند که مورد استفاده قرار گرفتند و بازدید و بررسی آثار موزه های اسلامی ایران و ترکیه در نگارش این پژوهش بسیار مؤثر بوده است.

طراحی زیبا و چشمگیر نقوش مذهبی در این دوره از مهارت بالای طراح ایرانی حکایت دارد و علاوه بر خلق آثار بدیع، یادگاری بی بدیل در دل تاریخ هنر مذهبی ایران به جای گذاشته است. آثاری که پس از گذشت سالیان دراز هنوز زنده و گویا هستند و بیانی امروزی را مطابق الگوهای گرافیک نوین زمزمه میکنند. این نقوش به حدی استادانه، زیبا و خلاقانه اند که بسیاری از آنها بدون هیچ دخل و تصرفی میتوان به عنوان نشانه مورد استفاده قرار گیرند.

و اما آشنایی با نمادهای مذهبی اسلامی دوره های اوج هنر اسلامی در ایران، عاملی در جهت رشد هنرهای مذهبی در جامعه نیمه مدرن ایران است. تردیدی نیست که انباشتگی آثار سنتی و گسترش بناهای اسلامی مانند مساجد، کتیبه ها... میتواند محیطی معنوی تر را برای ایرانیان معاصر و در کنار آن برای جامعه نیمه مدرن-نیمه سنتی ایران کنونی فراهم آورد، اما با این شیوه گشایش

وقتوحی بنیادین برای ما محیا نمی شود. راه اندازی پی در پی قهوه خانه های سنتی و جشنواره های مذهبی و آیینی و همایش ها و هم اندیشی ها چیزی جز راهی برای تاخیر در نفوذ بیشتر شیوه های غربی و هنر نفسانی آن نخواهد بود.

با پژوهش و کنکاش کاملا علمی در هنر مذهبی ایران اسلامی، میتوان با شناخت لایه های معنایی نمادین این هنرها، آن را وارد لایه های جامعه ایران کنونی کرد. در این صورت با ساختارشناسی آگاهانه و روانشناسی هنری و ارتباط شناسی هنر مذهبی با مردم، احیاء هنر مذهبی در جامعه امروزی امکان پذیر خواهد بود.

## مقدمه

در تمدن های سنتی، دین به هیچ وجه، امری محدود و محصور نیست که جایی جداگانه در اعمال انسان داشته باشد. در زندگی سنتی، دین در همه ی شؤون زندگی انسان نفوذ دارد و کل زندگی را تشکیل می دهد. براین اساس صنعتکار، معمار یا هنرمند ایرانی با بهره از نور رحمان، آثار مقدسی بوجود می آورد که تأثیری معنوی بر پیرامون خود میگذارد زیرا جهان در تفکر اسلامی، جلوه و مشکات انوار الهی است و حاصل نقاش ازلی و هر ذره و موجودی از موجودات جهان و هر نقش و نگاری و هر شی و هر امری، مظهر اسمی از اسماء الهی است. از آن جا که ذات مقدس الهی در تاروپود هر مذهبی ایران رخنه کرده و در همه ی آثار اسلامی نشانه های این توحید دیده می شود، برای بیان نمادین آن چه را که به جان احساس می شود نیاز به علائم و نمادهایی قابل لمس می باشد.

انتزاع و نمادگرایی در هنر اسلامی یکی از ویژگیهای منحصر به فرد هنر اسلامی است و برای جاودانگی و پایداری بیشتر این نمادها در هنر اسلامی می باید جایگاه و ساختار و ارتباط کاملاً هماهنگ با آن هنر را ایجاد کند.

از سویی دیگر هنر گرافیک در ایران مانند تمام کشورهای که تمدنی دیرینه دارند، دارای سابقه ای طولانی است و می توان گفت از زمان تصویر نقوش اولیه بر روی سفالینه ها و سنگها و بعدها نقوش پارچه و قالی وسایر بافته ها و حکاکی بر روی ملزومات زندگی و... تا کنون در کشور ما هم وجود داشته است .

از اینجا میتوان رد پای گرافیک را در طراحی های سنتی ایران، با توجه به سابقه دیرینه آن در هنر ایران دید و نمادهای این دوره از تاریخ هنر ایران (صفویه) را از نظر ساختارهای گرافیکی مدرن امروزی مورد بررسی و کنکاش قرار داد.

به هر تقدیر نتایج بدست آمده مهر تاییدی است بر روی جاودانگی و پایداری هنر هنرمند مسلمان ایرانی که در اوج معنویت و ایمان آکنده از خلاقیت و تفکر است.



## فصل اول : کلیات تحقیق

انسان از زمانی انسان می گردد که دارای فرهنگ می شود و فرهنگ از زمانی آغاز می گردد که انسان به وجود می آید. آنچه که می توانیم برایش تقدم و تاخر قائل شویم تمدن است و انسان با فرهنگ وارد تمدن می شود و اکنون این انسان متمدن است که در دام انواع و اقسام کشمکش های روحی و جسمی دست و پا می زند، برای رهایی و آزادی نیاز به پرواز دارد، پروازی از درون خود به بیرون و شاید برای این پرواز، بالی بهتر از فرهنگ و هویت خویش نیابد. پس باید با آن آشنا شود و با بهره گیری از آن در جهات مختلف زندگی، خود و جامعه اش را باور کند. این نقطه ای است که تبلیغات فرهنگی می تواند پا به عرصه وجود بگذارد و رسالت خویش را به انجام برساند.

امروزه در سراسر دنیا واژه تبلیغات فرهنگی معانی خاصی پیدا کرده و آن هم بر اساس تعریف فرهنگ و تبلیغ از دید آن جامعه خاص می باشد. در کشور ما نیز این تبلیغ حول محورهای خاصی دور می زند که مربوط به باورها و دیدها و فرهنگ جامعه ماست و در اینجاست که دوباره صحبت از هنر به میان خواهد آمد، هنری که باید خادم جامعه باشد و اندیشه ها و آرمان های والای بشری را که سبب رشد انسان می شوند، جاودان و ماندنی کند به گونه ای که بر همه اقشار جامعه تاثیرگذار گردد.

هنرهای تجسمی، تجلیات عالی زبان بصری هستند و بنابراین ابزارهای آموزشی اند که قیمتی بر آنها متصور نیست. اکنون وظیفه گرافیک این است که از نظر اجتماعی پیام مفیدی برساند و هم چشم را و به واسطه آن، ذهن را جلب کند و در نتیجه نظم لازم را برای دیدن آن سوی سطوح چیزهای قابل رویت به ذهن بدهد و در شناخت ارزش های لازم برای یک زندگی کامل و لذت بردن از آن راهنمایی کند.

اگر شرایط اجتماعی، گرافیک را به عرصه پیام های موجه، در وسیع ترین و عمیق ترین مفهوم اجتماعی آن ملزم سازند، این هنر می تواند به طور موثر به آماده سازی راه برای هنری موثر و مثبت یاری رساند. هنری که بتواند پیام خویش را به مردم برساند و از طرف آنها درک شود و سنتهای گذشته را برایشان یادآوری کند..

از میان اهدافی که گرافیک مد نظر دارد، هدف های کاربردی از بقیه مهم تر و در حقیقت در اولویت قرار دارد که البته بعد از دست یابی به اهداف گوناگون کاربردی خود، می باید فرهنگ ساز نیز باشد و اگر گرافیک با اصولی صحیح و متناسب انجام شده باشد، تا حدود بسیار زیادی می تواند در گسترش فرهنگ جامعه تاثیر داشته باشد.

مشخصه های سنتی و فرهنگی می تواند در برقراری ارتباط بهتر و سریع تر نقش مهمی داشته باشند زیرا افرادی که در یک جامعه زندگی می کنند دارای فرهنگ خاص آن اجتماعی نیز می

باشند. بنابراین بهتر است ارسال پیام برای آنان به زبان و شیوه ای آشنا و سنت های خودشان طراحی شود که برایشان ملموس تر و گویاتر باشد تا در قالب های فرهنگی و سنتی بیگانه. از اینجاست که نیاز به شناسایی و درک مفاهیم و نمادها و نشانه های تاریخی ایران برای دستیابی به طراحی مطابق با سنتهای اصیل ایرانی اسلامی ضروری به نظر میرسد. این پروژه، یادآوری نمادهایی است که برایمان آشنا و مقدس اند. هم در متون قدیمی خوانده ایم هم در داستانهای مادر بزرگها شنیده ایم و هم در موزه ها و گاهگاهی در مناسبتهایی خاص نشانه های کمرنگی از آن را شاهد بوده ایم.

**مسئله ای** که در این پژوهش با آن روبرو هستیم آن است که در طول تاریخ ایران همواره میان هنر و آداب معنوی برگرفته از مذهب، ارتباط بسیار نزدیکی وجود داشته است. در واقع یکی از مهمترین عوامل شکل دهنده هنر و نیز زبان عمیق ترین حکمت‌های بشر و جلوه گاه زیباترین احساسهای عرفانی بوده است. ارتباط میان هنر و دین در طی دوره اسلامی بیش از هر زمان دیگر شکوفا شد و توسعه یافت و هنرمندان مسلمان تحت تعالیم دین مبین اسلام توانستند بسیاری از مفاهیم معنوی و حماسی را در قالب نقشهای نمادین مبتنی بر اصول زیبا شناختی ارائه نمایند. هنرمندان مسلمان همواره کمال مطلوب (ideal) را بر واقعیت و از طرفی تجزیه و ایجاد (stylization) را بر طبیعت گرایي ترجیح داده اند و همواره تمایل داشته اند تا با نگاهی معنوی بخشد از صورت نوعی (archetype) موضوع را نشان دهند تا صورت موجود در طبیعت با چشم ظاهر دیده شود.

برای تایید این منظور باید به بررسی جاودانگی این نمادها (به خصوص در دوران صفویه که اوج هنر اسلامی در ایران به شمار میرود) از نظر نمادشناسی، ساختارشناسی، ارتباط مذهب با هنر (به خصوص گرافیک) و نقش گرافیک در طراحی این نمادها و تاثیرات آن در طراحی های وابسته به این حوزه پرداخته شود و با درک بهتر این مفاهیم از یک راهبرد علمی جدید به کاربرد علمی جدیدتری در حوزه طراحی گرافیک امروزی برسیم.

این پژوهش در پی پاسخگویی به پرسشهایی است که خواسته یا ناخواسته در هنگام دیدن این تصاویر ذهنمان را به خود مشغول میکنند. پرسشهایی از قبیل:

- مذهب چه تاثیری بر هنر صفویه دارد؟
- نمادهای مذهبی اسلامی دوره صفویه بر گرفته از چیست؟
- نقش اصول گرافیک مدرن در طراحی و کاربرد نمادها چگونه است؟
- راهبردهای احیای هنر دینی در حیطه هنر مدرن چیست؟

و اما هدف از انجام این پژوهش:

- شناخت هنر و تمدن دوره صفویه با توجه به باورها و سنتهای هنری آن دوره.
- دریافت هنرهای نمادین، طرح ها، نقوش به کار گرفته در آثار هنری.

- کاربرد نمادهای مذهبی اسلامی در دوره صفویه با بررسی جایگاه اصول گرافیکی در طراحی و کاربرد نمادها.

- کاربرد نمادهای مذهبی اسلامی در دوره صفویه در طراحی گرافیک امروزی میباشد.

بر این اساس پژوهش حاضر بر پایه *فرضیات* زیر صورت گرفته است:

- نمادهای مذهبی اسلامی، تلفیقی از نمادها و سمبلهای ایران باستان و ادیان باستانی ایران است.

- کاربرد و طراحی نمادها در هنر دوره صفویه با توجه به پایه های طراحی سنتی آن کاملا متناسب با اصول گرافیکی مدرن است.

- با توجه به روانشناسی هنر شناخت لایه های هنر دینی با در نظر گرفتن خصوصیات جامعه مدرن میتوان هنرهای دینی را در قالبهای جدید هنری احیا نمود.

و اما به طور کلی در مورد هنر و معماری دوره صفویه مطالعات، پژوهشها و همایشهای زیادی صورت گرفته است که تنها شناسایی ابعاد کلی هنر و معماری این دوره بوده است. اما در خصوص بررسی نمادهای مذهبی این دوره، از نظر ساختارهای گرافیکی به طور خاص منابعی در دست نیست و پژوهشی صورت نگرفته است.

در پایان می توان گفت، دین آیین زندگی است، آیینی که ما را به سوی سعادت اخروی رهنمون میسازد. از این رو هنر متأثر از دین بازتاب آیینها و بازنمایی حقایق معنوی بوده و زیبایی آن در حقایق معنوی فراسوی اثر نهفته است.

هنرمندی که دست به خلق اثر هنری می زند از این قاعده مستثنی نیست، یا راه بایدها و ارزشها را می نمایاند یا نبایدها که نتیجه آن هنری میشود چون دین، الهام بخش راه زندگی دنیوی.

هنر آئینه تجلی احساسات دینی و بی شایبه انسانهایی است در کوره راه زمان به دنبال گمشده خود بودند و هر کدام با زبانی با معشوق سخن گفته و به ستایش او برخاستند. پس هنر ذاتا با دین عجین شده است، تا آنجا که می توان گفت هنر ها ریشه در دل آیینها و مناسک مذهبی دارند.

این نگاه معنوی همواره در طول تاریخ ایران به صورتهای گوناگونی نمایان شده است. تاریخ فرهنگ مصور تشیع، در قالبی نمادین، با مفاهیمی عمیق، بیشترین جلوه گری را داشته و هیچ گاه از حرکت باز نایستاده است حتی گاهی با تعدیل نمادهای اسطوره ای قبل اسلام، در ایجاد معنا سود جسته و با زیبایی تمام حضور دینی خود را حفظ کرده است.

## فصل دوّم :

### موقعیت جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی دولت صفویه

۱-۱ ایران قبل از صفویه

۲-۱ تشکیل دولت صفویه

۳-۱ دین در دولت صفویه

۴-۱ نخبگان فرهنگی و معنوی دوره صفویه

۵-۱ اقلیتهای دینی در دوره صفویه

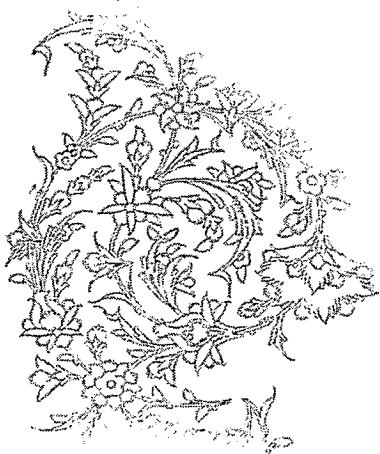
- آیین زرتشت

- یهودیت

- مسیحیت

۶-۱ ساختار اجتماعی دولت صفویه

۷-۱ ساختار اقتصادی دولت صفویه



## ایران قبل از صفویه

با حمله اعراب و انقراض سلسله ساسانی بنیان استقلال و وحدت ملی ایران فرو ریخت و سلسله‌ای که قرن‌ها بر کشور پهناوری حکومت و فرمانروایی داشت سقوط کرد. سالها اعراب مهاجم بر قلمرو ایرانیان حکومت کردند و تا اندازه‌ای که می‌توانستند کوشش و فعالیت نمودند تا روح استقلال‌طلبی ایرانیان و جنبش‌ها و قیام‌های آنان را که رهبرانی مانند ابومسلم خراسانی، بابک خرم‌دین و مازیار بن قارن داشتند از میان ببرند.

از آن جایی که ایرانیان قدرت نظامی و لشکری نداشتند همیشه اقدامات آنها به نتیجه نمی‌رسید و نهضت‌های آنها خاموش می‌شد. سخت‌گیری و اهانت خلفای بنی‌امیه نسبت به ایرانیان و وضع زندگی اجتماعی آنها مطلبی نیست که کسی از آن اطلاع نداشته باشد و حاجت به تکرار نیست که مردم در دوران تسلط اعراب چگونه رنج می‌کشیدند ولی چون قدرتی نداشتند، منتظر فرصت و موقعیت مناسب بودند تا حکومت بنی‌امیه را براندازند. ایرانیان چون تمدنی مافوق اعراب داشتند، اعراب مجبور شدند برای اداره کشور و تشکیل سازمانهای اداری به آنها متوسل شوند و این باعث شد ایرانیان در دربار خلافت راه یابند و بهتر بتوانند به اجرای نقشه‌های هموطنان خود کمک نمایند.

خاندان برامکه یکی از آن دسته‌هایی هستند که با احراز مقامات عالیه در دستگاه عباسیان وسیله‌ی پیشرفت ایرانیان را در راه هدف و مقصود یعنی بدست آوردن استقلال ایران فراهم کردند. استقلال‌طلبان کم‌کم موقعیتهایی بدست آوردند و در نقاط مختلف ایران حکومت‌های ملوک الطوایفی بوجود آوردند و در هر گوشه ایران دولتهایی تشکیل شد. ولی در این نقاط ادوار حکومت مرکزی وجود نداشتند و هر کسی در هر گوشه‌ای اقداماتی را انجام می‌داد که گاهی منجر به ضعف و خرابی کشور می‌شد.

پس از دوران حکومت مغولها و تیموریان ایران مجدداً گرفتار تجزیه گردید و مدعیان زیادی در گوشه و کنار به فرمانروایی مشغول شدند. امرای سلسله تیموریان به علت وسعت قلمرو و حکومت قدرت کافی نداشتند که از جنبش و استقلال‌طلبی خوانین محلی جلوگیری کنند. این

بود که مخالفین از ضعف قدرت سلاطین تیموری استفاده کرده و هر کس در ناحیه‌ای برای خود دستگاه امارت بوجود آورد و در اواخر قرن نهم هجری در هر یک از ایالات امیری فرمانروایی داشت.

با تشکیل سلسله صفویه حکومت ملوک‌الطوائفی از میان رفت و کم‌کم وحدت حکومت مرکزی و وحدت مذهبی بوجود آمد و پس از قرن‌ها ایران وارد مرحله جدیدی گردید که شباهتی با دوره‌های قبل نداشت. مدعیانی که در هر گوشه و کنار حکومت می‌کردند از میان رفتند و یا مطیع حکومت مرکزی شدند و به این ترتیب سلسله صفویه توانست دوران استقلال و عظمت ایران قدیم را تجدید نماید. در حقیقت صفوی‌ها اولین حکومت کاملاً ایرانی بودند که بر سراسر فلات ایران و سرزمین تاریخی ایرانیان حکم می‌راندند. آنها برای اولین بار توانستند هویت مستقلی برای ایران جدای از جهان اسلام معرفی کنند که حتی خود را یک مدعی در جهان اسلام بدانند. تأسیس سلسله صفوی مصادف بود با پایان رنسانس اروپا و عصر انقلاب صنعتی و ورود اروپا به دوران جدید. هم‌چنین ظهور قدرتی جدید به نام عثمانی که خود را وارث خلافت اسلامی می‌دانست تا جایی که سلطان سلیم عثمانی پس از فتح مکه خود را رسماً خلیفه مسلمانان خواند.

ایران تا زمان ظهور صفویان، شاهد ظهور حکومتی به اهمیت امپراطوری عثمانی و یا امپراطوری مصر نبود.

سلطنت صفویان بیش از دو سده، نظام سیاسی و سنت و فرهنگی کهن ایران را ادامه داد و در میان ملک و ملت ویژگی و مفهوم بی‌نظیری از ماهیت تاریخی را تسری بخشید. شاخص‌های ویژه این دوره عبارتند از: احیای سنت سلطنت، دستیابی به جغرافیای تاریخی ایران، ایجاد ساختار نظامی و سیاسی جدید، گسترش مذهب تشیع در مقام مذهب رسمی کشور، ایرانی کردن اسلام ایرانی، ترقی و تعالی زبان فارسی در زمینه سیاست و دیوان در تاریخ جدید ایران، توسعه و تحول فرهنگی خاص که نقطه اوج آن در معماری مجسم شد و نیز نتایج چشمگیر در حیات فکری ملت ایران. هم‌چنین صفویان بودند که ایران را وارد صحنه تاریخ جهانی کردند. برخوردها و درگیری‌های آن‌ها با عثمانیان و پی‌گیری سیاست اتحاد با قدرتهای غربی مفهوم

جهانی داشت و در ارتباط مستقیم با تاریخ اروپای غربی بود.

دوره صفویه از جهاتی قابل مقایسه با دوره سلجوقی است. این مقایسه بیشتر از جهت قوت بنیادهای علمی و تمدنی است که در هر دوره یاد شده در ایران صورت گرفت. نشانه آن باقی ماندن آثار تاریخی و علمی جاودانه از هر دو دوره است. در این دوره‌ها صرف‌نظر از اینکه چه کسی حکومت میکرد، کار در دست دبیران و دانشمندانی بود که با فرهنگ شرقی ایرانی در گستره وسیع آن از ماوراءالنهر تا عراق تربیت شده بودند. در عهد سلجوقی، دنیای اسلام تا حد زیادی یکپارچه و تفکیک شرق و غرب از آن ناممکن بود، پیشرفتهای مصر در غرب تمدن اسلامی به همان میزان پیشرفت در ایران بود. با حمله مغول به شرق، این بخش از جهان اسلام از بخشهای دیگر جدا شد. به نظر می‌رسد شرق در اثر حملات مداوم ترکان و مغولان به مقدار زیادی سرمایه‌های علمی خود را از کف داد. کتابخانه‌ها ویران شد، مدارس نابود گردید و دیگر اثری از برپایی مدارس و مساجد استوار دیده نمی‌شد.

گسیختگی در شرق اسلامی از دو جهت بود: یکی در عرض به طوری که شرق اسلامی از غرب اسلامی به مرکزیت شام و مصر از یکدیگر جدا گردید. دیگری در طول به طوری که فاصله‌های میان قرن پنجم و ششم هجری تا دهم هجری روی داد و دره‌ای عمیق میان عصر درخشش تمدن اسلامی و دوره اخیر پدید آمد. سه قرن، ایران، در خمودی و خاموشی بود و تحرک جدی تنها در دوره صفویه پدید آمد.

این گسیختگی طولی و عرضی، شرق اسلامی را بسیار عقب انداخت. زیرا نه تنها تولیدات علمی و خلاقیت نداشت بلکه از داشته‌های گذشته خود هم بی‌بهره مانده بود. فرقه‌های اسلامی در ایران، در این دوره اعم از شیعه و سنی در عرصه جامعه چندان فعال نبودند. نه فقه منظمی بود و نه فقیهانی که سمبل نظام دینداری در بخش حکومت اسلامی باشند.

مقایسه این دوره تاریخ ایران با دوره‌های پیشین، نشان میدهد که فقه اهمیت خود را از دست داده بود، در حالی که فقه به لحاظ اجتماعی، پایه و اساس نظم و انضباط اجتماعی بر مبنای دین است. در جامعه ایرانی که اکثریت آن سنی بودند، به دلیل رسوخ تصوف، فقه حضور نداشت و هیچ اثر فقهی قابل توجهی در این دوره در ایران تولید نشد. این در حالی است که

فقه‌های سنتی قرون سوم تا پنجم هجری، عمدتاً ایرانی بودند.

در همین دوره شام و مصر، فقهی منسجم و قوی دارد. گرچه همان‌جا هم تصوف، رخنه‌های شگرفی در آن جامعه پدید آورد و تحرک را از آن‌ها سلب کرد. این مسأله در شرق بیداد میکرد. تشکیل دولت صفوی در سال ۹۰۷ هجری، قدم بسیار مهمی در ایجاد تحرک و پویایی تمدن اسلامی در بخش ایرانی و شرقی آن است. الگویی که در این‌جا انتخاب می‌شود، برگرفته از میراثی است میان هرات و تبریز تا اصفهان و شیراز. مکتب‌هایی که در بخش‌های علمی و هنری و فلسفی در این دوره در ایران پدید می‌آید متکی به میراث گذشته در محدوده شهرهایی است که نام برده شد.

پیشرفتهای هم‌زمان در علوم انسانی مانند فلسفه، عرفان، ادبیات، فقه و نیز علوم مانند ریاضیات و نجوم و پزشکی و داروشناسی و هنر نشان از آن دارد که یک مجموعه در حال شکل‌گیری است. به عبارت دیگر این دوره، از تمامی آن‌چه برای ایجاد یک تمدن لازم است، برخوردار است، گرچه شرایط کافی برای رشد مورد نیاز آنها وجود ندارد.

بنابراین میتوان گفت در میان سلسله‌های سلطنتی مهمترین سلسله که در دوران اسلامی بوجود آمد، سلسله صفویه است. به نوعی می‌توان گفت سلاطین این سلسله از پشتیبانی کامل همه طبقات مردم برخوردار بودند و آنان توانستند ایران را به اوج خود برسانند.

صفوی‌ها از سال ۹۰۷ تا ۱۱۳۵ هجری به مدت ۲۲۷ سال سلطنت کردند و سلسله صفویه برای ایجاد یگانگی و یکپارگی و مجزا نمودن ایران از دیگر ممالک اسلامی مذهب شیعه را به رسمیت شناختند و در ترویج بسط تشیع و ... کوشش نمودند. پس از قیام محمود افغان و تسخیر هرات و مشهد به دست افغان‌ها و شکست شاه سلطان حسین و سقوط اصفهان در سال ۱۱۳۵ هجری بعد از چند ماه محاصره سلسله صفویه منقرض شد. بازماندگان این خاندان چند سالی دیگر نیز در برخی ولایات بویژه مازندران مختصر قدرتی داشتند اما از سال ۱۱۴۸ هجری یعنی سال جلوس نادرشاه افشار دست این خاندان به کلی از حکمرانی کوتاه شد.



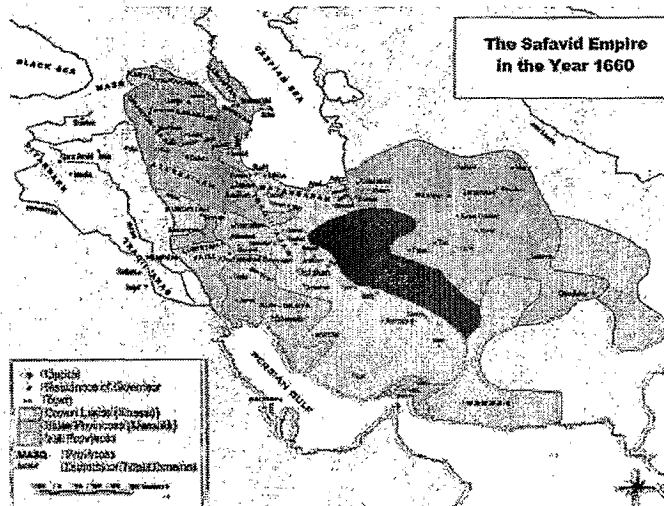
## تشکیل دولت صفویه

نخستین شاه صفوی که رسماً خود را شاه ایران زمین نامید، اسماعیل بود. اسماعیل در تابستان ۱۰۵۱/۹۰۶ پس از پیروزی نهایی بر آق‌قویونلوها، وارد تبریز، مرکز فرمانروایی آنان شد و بر تخت شاهی نشست. حکومتی که او تأسیس کرد تا سال ۱۷۳۶/۱۱۴۸ ادامه یافت. او که پس از مرگ برادرش سلطان علی، مرشد اعظم طریقت اردبیل شده بود، سرانجام قدرت سیاسی را که پیش از این اجدادش بر سر آن جان باخته بودند به دست آورد.

اسماعیل با آن که نمی‌دانست چه سرنوشتی در انتظارش است، نیروهای هوادار خود را به جهاد و غزا با کافران گرجی فرستاد. روح مهدی گونه و منجی نشان اسماعیل ریشه در احوال مذهبی مردم داشت. اوضاع آن زمان، تفکر رستاخیز را میان مردم گسترش داده بود. ناامنی حاصل از جنگ، درهم ریختگی، مصائب و بلایای بی‌شمار، طاعون و قحطی، همه دست به دست هم داده بود تا تفکرات مردم را آماده پذیرش منجی کند. اعتقاد به ظهور منجی تنها خاص شیعیان نبود، ایرانیان از گذشته‌های دور، آن هنگام که زردشتی مسلک بودند به ظهور منجی اعتقادی عمیق داشتند.

پیش از اسماعیل پدر و جد وی به دلیل مجاهدت‌های نظامی و تأثیر عظیمی در احوال مردم داشتند و این تأثیر در شهرت وی بی‌نشان نبود.

یکی از بزرگترین فتوحات وی، نبرد در بین‌النهرین بود که از تصرف ماردین، آخرین دژ آق‌قویونلوها آغاز و سپس با فتح بغداد کامل شد. فتح بغداد یعنی رسیدن با آخرین تختگاه خلیفه‌گری اسلامی و حصول به این مهم شهرت اسماعیل را از یک جنگجوی مبارز به یک فاتح مقدس تغییر داد. به خصوص آن که اسماعیل پس از گذشت قرن‌ها از زمان دیلمیان شیعی، دومین مبارز شیعه بود که بغداد را تصرف کرد. تعقیب مخالفین وی از بغداد تا خوزستان و منطقه ویژه ادامه پیدا کرد. تا سرانجام در خوزستان فعلی به آنان اجازه تأسیس دولتی خود مختار را در این منطقه داد. این دولت نقش سپری را در مقابل عثمانیان داشت. از سویی آنها واسطه فرهنگ ایرانی و عربی نیز بودند. قابل توجه آن که از زمان اسماعیل ساحل غربی اروند،



تصویر شماره ۱: نقشه ایران دوره صفوی

کارون و شط‌العرب  
تحت قیمومیت کامل  
صفویان بود (تصویر  
(۱).

آغاز نبرد با  
عثمانیان  
پس از حمله وی به  
منطقه ذوالقدر، با  
آنکه این قبیله از  
متحدان وی محسوب

می‌شد، اما قیمومیت عثمانی بر بخش‌های قابل توجهی از آن، برای آنکه حمله به اراضیشان را  
تداعی می‌کرد. تیره شدن روابط اسماعیل با عثمانیان از همین زمان آغاز گردید.

شورش قزلباشان ترکمان شیعی در امپراطوری عثمانی سبب شد تا سلطان سلیم که از همان  
آغاز نگاه خوشی به صفویان نداشت، تحریک شده و سخت‌گیری بر شیعیان را آغاز کند. او  
برای این کار از فتوای علمای اهل تسنن نیز کمک گرفت. هر چند که می‌توان گفت که سلطان  
سلیم اولین کسی بود. که به عنوان یک فاتح واقعی در امپراطوری عثمانی شناخته شد و هم او  
بود که نخستین بار خود را پس از عباسیان خلیفه مسلمین خواند. وی باید نگران پیشروی‌های  
صفویان شیعی در آناتولی و بین‌النهرین می‌بود. (لمبتون، ۱۳۶۳: ۱۳۴)

حرکت سپاه اسماعیل به سمت عثمانیان در صحرای چالدران را می‌توان بزرگترین و جدی‌ترین  
نبرد او دانست. اسماعیل که به خود جنبه‌ای الهی می‌داد و بسیاری هم او را منجی  
می‌دانستند، با غروری فراوان به این میدان رسید. در حالیکه کاملاً آشکار بود که سپاه او به طرز  
فاحشی ضعیف‌تر از عثمانیان است. عدم استفاده از سلاح گرم، که اسماعیل آن را خلاف  
جوانمردی می‌دانست همچنین آمدن به دشت به جای رفتن به کوهستان‌های پر برف

آذربایجان، همه و همه سبب شد تا در ۲ رجب ۲۳/۹۲۰ اوت ۱۵۱۴ شاه اسماعیل شکست سختی را متحمل شود. این شکست نه تنها یک شکست نظامی که سبب شد چهره شکست‌ناپذیر و مقدس او شکسته شود.

اما در موقع تشکیل سلسله صفوی، شاهزادگان تیموری فوق‌العاده ضعیف شده بودند و پس از این که شاه اسماعیل قدرتی بدست آورد خاندان تیموری را در خراسان منقرض کرد.

شاه اسماعیل برای احیا ایران و ایرانی قدم برداشت زیرا پس از رسیدن به سلطنت طوایف ترک نژاد و ترکمانان را بر مردم ایران مسلط کرد و زبان ترکی را زبان رسمی دربار نمود و مشاغل عمده آن روز را به ترکمنان و سران قزلباش واگذار کرد و از این راه به ترویج زبان ترکی در ایران و ضعف زبان و ادبیات فارسی کمک نمود.

نام سلسله صفوی از شیخ صفی الدین اسحاق (۱۳۳۴-۱۲۵۲/۷۳۵-۶۵۰) گرفته شده که در سمت مؤسس سلسله صفوی مورد احترام و توجه بود. (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۸۶) او مردی مقدس، عارف و رهبری روحانی از فرقه‌ی مذهبی صفوی در شمال ایران بود. او در اردبیل زندگی می‌کرد و پیروان بسیاری از قبایل ترکمن آسیای صغیر و سوریه را جذب نمود، اما هرگز یک جنبش سیاسی- نظامی را سازماندهی نکرد.

جنید، (چهارمین شیخ پس از صفی الدین) به عنوان جانشین شیخ صفی در سال ۱۴۴۷/۸۵۱ برگزیده شد. وی به سیاست و قدرت علاقه داشت و پیروانش نیز به جنگیدن برای عقایدشان راغب بودند. حیدر پسر جنید در اردبیل با کمک دایی‌اش اوزون حسین به تخت نشست. وی در دربار اوزون حسن پرورش یافت و بعدها با دختر او «مارتا» ازدواج کرد. حیدر سه پسر داشت جوان‌ترین آنها اسماعیل بنیانگذار آینده‌ی دولت صفوی شد.

حیدر کلاه یا دستاری قرمز صفوی، با دوازده شیار به نشانه‌ی دوازده امام را ابداع کرد (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۴۵).

پس از جنگ چالدران و شکست سنگین اسماعیل از سلطان سلیم عثمانی، وجهه شخصی وی در نزد مردم خدشه‌دار شد. از طرفی اسماعیل به دلیل پیروزی‌های چشمگیر و چهره گیرایش و همچنین القائنات پیرامونی اطرافیان خود، باورهای منجی گونه‌ای را در خود احساس می‌کرد و

برای خودش سیمایی مهدی‌وار ترسیم می‌کرد.

شاه اسماعیلی که خود را فرستاده خدا و سلطنت را به خواست او می‌دانست و تصور می‌کرد اراده الهی همواره نگهدار او و سلطنتش است، در سالهای پسین عمرش رو به انواع باده‌گساری و خوش‌گذرانی شد. اسماعیل آن قدر غرق در شهوات خود شد که حتی درباریان خصوصی خود را هم به وحشت انداخت. با این حال با مرگ شاه اسماعیل صفوی، ایران وارد دنیای جدیدی شد.

جمعیت ایرانی که امپراطوری صفویان حاکم بر آن بود، به دو بخش مجزای ایرانیان و ترکان تقسیم می‌شد. دو قوم کاملاً مجزا که هر کدام هویت مستقل از دیگری داشتند. زبان، آداب و حتی خاستگاه و فرهنگ متمایز آنان چهره بسیار خاصی را از هر کدام نشان می‌داد. ترکان<sup>۱</sup> شامل طوایف گله‌دار و اکثراً چادرنشین و جنگجوی کوچ‌نشین بودند و ایرانیان عموماً شامل لایه‌های دهقانی روستایی و بازرگان و پیشه‌ور شهری می‌شد.

با این حال شخصیت اسماعیل این دو خاستگاه را به هم نزدیک کرد. از دست رفتن تبریز به معنای کوچ صفویان از منطقه آذربایجان به مناطق مرکزی اردبیل بود و حتی شرق بود. در حقیقت تبریز پس از جنگ چالدران مدتی به تصرف عثمانی‌ها درآمد و مدتی هم شهری مرزی بود که اهمیت و امنیت پایتختی را نداشت.

اما از دیگر دستاوردهای مسلم اسماعیل بنیانگذاری یک امپراطوری با مرزهای تقریباً کنونی ایران، تشکیلات سیاسی این سرزمین‌ها، ثبات نسبی داخلی و حفظ و حراست از شر دشمنان خارجی بود. در یک بازنگری می‌توان دریافت که تبلیغ تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور، البته با شیوه‌های نه چندان مقبول، سنجیده، تأثیری محدود در وحدت امپراطوری و مردم داشت.

شاه اسماعیل اول به هیچ وجه اصلاحات اجتماعی و یا سیاسی را به انجام نرساند. شکل حکومتی هم که او در امپراطوری خویش اتخاذ کرد و هیچ نوع پیشرفت و تغییری نسبت به سلسله‌های سابق نداشت. این حکومت یک حکومت مطلقه سلطنتی بود که فقط وجوه افتراق

<sup>۱</sup> - برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به [www.azarpadgan.com](http://www.azarpadgan.com)